



# کودک خداشناس

## مقدمه

برای یاد دادن هر موضوعی، به ایجاد شرایطی خاص نیاز است تا یادگیرنده را در فهم بهتر و همراهی بیشتر با یاددهنده یاری دهد. در آموزش مفهوم خداوند نیز وجود این شرایط ضروری است. پدر و مادری که قصد دارند درباره‌ی خداوند با کودک سخن بگویند، باید به برخی از قوانین بیشتر توجه کنند تا نتایج بهتری به دست آورند. لازم است والدین به زمینه‌های اولیه‌ای که در وجود کودک به ودیعت نهاده شده است، توجه بیشتر نمایند و سپس با درک موقعیت کنونی فرزند خود، مسائل خداشناسی را مطرح سازند. در این نوشتار، به برخی از پایه‌ها و قوانین خداشناسی کودکان اشاره می‌کنیم:

## ۱. تکیه بر تمایلات فطری کودک

اساس اولیه پذیرش دین، در فطرت تمام کودکان وجود دارد و کودک از خردسالی به قدرت و نیروی مافوق که می‌تواند نیازمندی‌های او را برطرف سازد، توجه دارد؛ بنابراین، یکی از اساسی‌ترین ویژگی‌هایی که می‌تواند در آموزش معارف دینی به ما کمک کند، وجود تمایلات فطری در کودک است. زیربنای بسیاری از رفتارهای آدمی در عناصری است که انسان سایه‌های آن را با خود به دنیا می‌آورد. بنابر اعتقاد اسلامی، کودک با باور دین و اعتقاد به مسائل اساسی آن از قبیل خداوند، به دنیا می‌آید که در سوره روم، آیه ۳۰ بدان اشاره شده است:

«فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ؛ پس روی خود را با گرایش تمام به حق، به سوی این دین کن، با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است. آفرینش خدای تغییرپذیر نیست...».

علاقه‌مندی کودک به دین و خدا اکتسابی نیست، بلکه این علاقه در او وجود دارد و در سنین پس از بلوغ شکوفا می‌شود. آموزش‌های ما عهده‌دار حفظ، حراست و تقویت این تمایلات است و درصدد پرورش آنها هستیم. کودک نیاز ندارد که خدا را به او بقبولانیم، بلکه باید باور فطری به خدا را در او حفظ و شکوفا نماییم. برای نیل به این منظور باید با بیان آثار رحمت الهی و آکنده ساختن قلب و عقل کودک از این آثار و نیز یادآوری نعمت‌های بهشتی در آخرت، سراسر وجود او را از این حب عاطفی سرشار ساخته، مایه ایمان قوی او در آینده باشیم. در این باره امام سجاد علیه السلام فرمودند: «خداوند به حضرت موسی علیه السلام وحی نمود که مردم را به من علاقه‌مند کن و آنان را نیز نزد من محبوب ساز. موسی علیه السلام پرسید: «چگونه؟» وحی آمد: «نعمت‌های مرا برای آنان بازگو کن، آنان خود عاشق من خواهند شد»<sup>۱</sup>.

## ۲. توجه به فضای روان‌شناختی مخاطب

یکی از مهم‌ترین نکات در آموزش مفهوم خدا به کودکان، توجه به فهم کودکان از این مفهوم است. در این زمینه دانستن چند نکته ضروری به نظر می‌رسد:

**الف-** باور داشته باشید که فرزند شما خلاقیت بسیاری برای یادگیری دارد. گاهی، قدرت یادگیری و سرعت انتقال مطالب در خردسالان و کودکان به قدری زیاد است که والدین را شگفت می‌کند.

**ب-** کودکان در چهار تا پنج سالگی، با نمادسازی و الگوسازی به تفکر می‌پردازند. در این گروه سنی، کودکان برای بیان احساس ترس و اضطراب خود، آنها را به شکل هیولا یا غول به تصویر می‌کشند و چیزهای خوب را به صورت فرشته یا موجودات دوست داشتنی ترسیم می‌کنند. برای انتقال مفاهیم خیر و شر به فرزندان در این سنین، بکوشید از الگوهایی مشابه نمادهای یادشده استفاده کنید.

**ج-** تصویر کودکان از خوبی و بدی، می‌تواند ایمان آنها را تحت تأثیر قرار دهد.

کودکان، به تدریج، با احساساتی همچون مرگ، گناه و خشونت آشنا می‌شوند. از سوی دیگر، احساساتی مانند امید، اعتماد و شوق را نیز تجربه می‌کنند. متأسفانه، بسیاری از لوازم در دسترس کودکان (بازی‌های رایانه‌ای، برنامه های تلویزیونی، اسباب‌بازی‌ها و ...) خوبی و بدی را به گونه‌ای معرفی می‌کنند که پیوندی با ایمان و اخلاق ندارد؛ خشونت و قتل، سرگرمی و بازی است، کسی که در بازی رایانه‌ای مورد حمله قرار می‌گیرد، دردی احساس نمی‌کند، پیروزی، تنها هدف بازی است و هیچ‌گونه حسابرسی و پاسخ‌گویی وجود ندارد.

بکوشید با گفت و گوی مناسب، از آسیب برداشت‌های نادرست کودکان درباره‌ی مفاهیم خوب و بد جلوگیری کنید.

**د-** تقلید، نخستین گام در یادگیری کودکان است.

کودکان در مراحل اولیه‌ی زندگی خود چیزهای خیره‌کننده‌ای می‌آموزند؛ سخن گفتن، راه رفتن، دویدن، پریدن، پوشیدن کفش و لباس، غذا خوردن با استفاده از قاشق و چنگال و ... . تمام این رفتارها با تقلید آموخته می‌شوند.

<sup>۱</sup> . مجلسی، بحارالانوار، ج ۲، ص ۴، ح ۶.

چشم و گوش بچه‌ها، مشتاقانه، به دنبال جذب چیزهایی است که در اطراف آنها می‌گذرد. آنها ایمان را نیز با همین روش می‌آموزند. کودک خردسال، با دیدن پدر و مادرش یاد می‌گیرد که چگونه دعا کند، چگونه به قرآن و اماکن مذهبی احترام بگذارد، چگونه امیدوار باشد و چگونه به آنچه حقیقت دارد یا زیبا و خوب است، عشق بورزد.

### ۳. استفاده از موقعیت‌های گوناگون

لازم است برای انتقال موفق‌تر مفاهیم دینی، از موقعیت‌های گوناگون و روش‌های متنوعی استفاده کرد. در برخی شرایط، کودکان آمادگی بیش‌تری برای درک حضور خداوند و ارتباط گرفتن با او را از خود نشان می‌دهند. در چنین شرایطی، والدین هوشمند اطلاعات مورد نیاز آنان را افزایش می‌دهند، انس با خداوند را در او ایجاد کرده، مسیر خدایی شدن کودک را هموارتر می‌سازند؛ شب‌های قدر، دعا و نیایش، طرح آرزوها و خواسته‌ها با خداوند، آغاز سال تحصیلی، جشن تولدها، زمانی که کودک هدیه‌ای دریافت می‌کند، زمان حضور در مکان‌هایی مانند مساجد، سفرهای زیارتی، سکونت در منزلی نو، به هنگام خرید وسیله‌ی نقلیه‌ی جدید و دیگر مواردی که به نوعی پیام برخوردار از نعمت خداوند در آن موج می‌زند و کودک خود را آماده‌ی شکرگزاری از خداوند و حمایت‌جویی از ذات مقدس او می‌کند.

### ۴. رعایت اصل تدریج

والدین نباید انتظار داشته باشند که فرزندانشان در زمان کوتاهی، تمام مسائل توحیدی و صفات خداوند متعال را بشناسند و به دنبال آن، همه‌ی دستوره‌های خداوند را اجرا نمایند. چنین توقعی، بسیار خطرناک و آسیب‌زا می‌باشد. لازم است والدین، به تدریج و از ابتدا، زمینه را در کودک به وجود بیاورند و اطلاعاتی به فراخور درک و نیاز کودک، درباره‌ی خدا و برنامه‌ی زندگی او، یعنی دین، ارائه کنند. رعایت این اصل، در آموزه‌های دینی ما به خوبی دیده می‌شود؛ امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «وقتی بچه سه ساله شد، «لااله الا الله» را یادش بدهید. سپس او را رها کنید تا به سه سال و هفت ماه و بیست روز برسد؛ آن‌گاه «محمد رسول الله» را یادش بدهید. سپس تا چهار سالگی ره‌ایش کنید و در این سن صلوات بر محمد صلی الله علیه و آله را یادش بدهید».<sup>۲</sup>

در این باره، بجاست که به داستان زیر توجه نمایید: روزی، از «سهل شوشتری»، که از عرفای بزرگ و اهل کرامات بود، پرسیدند: «چگونه به این مقام رسیدی؟» گفت: «در کودکی، نزد دایم‌ام زندگی می‌کردم. وقتی هفت ساله بودم، نیمه شبی از خواب برخاستم. دایم‌ام را دیدم که رو به قبله نشسته و عبایی به دوش کشیده و مشغول نماز خواندن است. از حالت او خوشم آمد. کنارش نشستم تا نمازش تمام شد. آن‌گاه از من پرسید:

«پسر، چرا نشسته‌ای؟ برو بخواب!»

گفتم: «از کار شما خوشم آمده است و می‌خواهم پهلوی شما بنشینم.»

گفت: «نه، برو بخواب!» من به اصرار دایم‌ام خوابیدم.

شب بعد نیز از خواب بیدار شدم. باز همان صحنه تکرار شد و من کنار دایم‌ام نشستم. این بار به دایم‌ام گفتم: «دوست دارم هر چه شما می‌گویید، من هم تکرار کنم.» دایم‌ام مرا رو به قبله نشانید و گفت: «یک مرتبه بگو: «یا حاضر و یا ناظر.» من هم تکرار کردم. سپس دایم‌ام گفت: «برای امشب کافی است. حالا برو بخواب.» این کار چند شب تکرار شد و هر شب عبارتی را که از دایم‌ام آموخته بودم، چند بار تکرار می‌کردم. کم‌کم وضو گرفتن را هم

<sup>۲</sup> . رضی الدین حسن بن فضل طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۲۵۴.

آموختم و پس از آن که وضو می‌گرفتم، هفت بار می‌گفتم: «یا حاضر یا ناظر». کار به جایی رسید که من بدون این که نزد دایی بروم پیش از اذان صبح بیدار می‌شدم. پس از نماز تسبیح به دست می‌گرفتم و پیوسته تکرار می‌کردم: «یا حاضر یا ناظر» و از این کار لذت روحانی می‌بردم تا این‌که، به تدریج، در سلوک معنوی خود پیشرفت کردم و به این مقام و مرتبه رسیدم.

## ۵. پیوند خداشناسی با مسائل روزمره کودک

چنانچه اطلاعات دینی، به ویژه مسائل مربوط به خداشناسی، با مسائل روزمره‌ی کودک پیوند زده شود، تأثیر شگرفی در ارتباط گرفتن کودکان با این مفاهیم رخ می‌دهد. وقتی شما به کودک خود می‌گویید که غذایی که در اختیار او قرار گرفته است، هدیه‌ای از خداست، بهتر توانسته‌اید او را با پروردگارش آشنا سازید. در قرآن کریم، هنگامی که حضرت ابراهیم علیه السلام به معرفی خداوند می‌پردازد، او را با نیازهای مخاطبان پیوند می‌زند و می‌فرماید: «آن کس که مرا آفریده و همواره مرا راهنمایی می‌کند، و آن کس که به من خوراک می‌دهد و سیرابم می‌گرداند و چون بیمار شوم، او مرا درمان می‌بخشد و آن کس که مرا می‌میراند و سپس زنده‌ام می‌گرداند، و آن کس که امید دارم روز پاداش، گناهم را بر من ببخشد»<sup>۳</sup>.

بهره‌گیری از این روش سبب می‌شود کودک با خدایی آشنا شود که انسان و موجودات جهان را آفریده و پشتیبان بی‌پناهان است، از راه الهام با بندگان سخن می‌گوید، راهنمایی برای اصلاح امور انسان‌ها فرستاده و هدفی برای زندگی انسان در نظر گرفته است. خداوند فراسوی مرزهای فرهنگی، طبقات اجتماعی، جنسیت و نژاد را می‌نگرد. تصویر کردن چنین خدایی برای کودکان، بر اخلاق و رفتار آنان تأثیر شگرفی خواهد گذاشت، به گونه‌ای که همیشه به دیگران با دیده‌ی احترام بنگرد.

## ۶. تأخیر آموزش‌های جدی تا شکل‌گیری مقدمات ذهنی

کودک در مرحله‌ی بلوغ، از تفکر عینی به سوی تفکر انتزاعی حرکت می‌کند. البته این حرکت، تدریجی است. نوجوان، در توجیه مسائل، از خیال‌پردازی‌های کودکانه فاصله می‌گیرد و به سوی مسائل منطقی پیش می‌رود. درباره‌ی علت پدیده‌ها فرضیاتی در ذهن می‌سازد و آنها را آزمایش می‌کند. این فرضیات، ابتدا با عناصر مادی محدود می‌گردد، ولی به تدریج این عناصر کنار گذاشته شده می‌شود و تفکر شکل نمادین و انتزاعی می‌گیرد. پس فرضیاتی خارج از حوزه‌ی تجارب خود وضع می‌کند و با استفاده از دلایل، آن را رد می‌نماید یا می‌پذیرد. در نتیجه، نوجوان خدا را به صورتی انتزاعی و جزو مجردات می‌داند و درمی‌یابد که خدا طبیعتی غیرمادی و روحانی دارد. گاهی، در بین نوجوانان هنوز حالت انسان‌پنداری خداوند دیده می‌شود که شاید بتوان آن را ناشی از کم‌بودن درجه هوشی یا بی‌علاقگی به مسائل دینی دانست.

این مطالب علمی بدین جهت بیان شد که بدانیم تحول مفهوم خدا، همگام با رشد شناختی کودک می‌باشد و هر دوره دارای ویژگی‌های انحصاری است؛ بنابراین، بهتر می‌باشد طرح بسیاری از مسائل اعتقادی تا دوره‌ی تفکر صوری (نزدیک بلوغ) به تأخیر افتد. انتظار می‌رود که در این مرحله، نوجوان به دلیل افزایش توانمندی‌های ذهنی و شناختی، مسائل اعتقادی را با تفکر، تدبیر و تأمل بپذیرد و تا پایان عمر از آنها حفاظت نماید.

<sup>۳</sup> شعراء/۷۸-۸۲.

## ۷. شرح ماهیت ایمان برای کودکان

ایمان یکی از مفاهیم پایه برای آموزش خداوند به کودکان است. والدین با تشریح این مفهوم، خواهند توانست مفاهیم دیگر و نیز فضای ایمانی خود را تا اندازه‌ای به کودکان و دنیای شناختی آنان نزدیک سازند و آنها را در جریان این فضا قرار دهند. برای توضیح دادن ماهیت ایمان، با در نظر گرفتن سطح بلوغ فکری فرزندان و نیازهای ویژه‌اش، یکی از راه‌های زیر را انتخاب نمایید:

به فرزندان یادآوری کنید که چه چیزهای دیگری در زندگی ما وجود دارد که آنها را به عنوان عقیده پذیرفته‌ایم. به ویژه مواردی را بیان نمایید که تجربه کرده است؛ برای نمونه، تو ایمان داری وقتی راه می‌روی، از زمین جدا نخواهی شد. تو ایمان داری که دارو سبب بهبود بیماری می‌شود، هر چند که از ساز و کار درمانی آن بی‌خبری. به دلیل اعتمادی که به والدینت داری از آنان اطاعت می‌کنی، هر چند گاهی ممکن است دلیلی برای این کار نداشته باشی.

خیلی از چیزها دیدنی نیستند، بوی خوش گل، اکسیژن، امواج تلویزیون، عقل و هوش و... ولی وجود دارند. خدا هم از آفریده‌ها و آثارش شناخته می‌شود. چشم ما فقط جسم‌ها را می‌بیند. خدا جسم نیست تا چشم ما او را ببیند: «چشم‌ها نمی‌توانند او را ببینند».<sup>۴</sup> تو می‌توانی خدا را در عمق دلت احساس کنی. شما می‌توانید برای فرزندان داستانی درباره‌ی ایمان تعریف کنید؛ داستان انسان‌هایی که با تکیه بر ایمانشان کارهای درخشانی کرده‌اند، مانند پیامبران، رهبران دینی و اصلاح‌گرانی که با توکل بر خدا، تمام مشکلات را تحمل نمودند تا مردم را به موفقیت و پیشرفت مادی و معنوی سوق دهند.

شما می‌توانید برای فرزندان نمونه‌هایی بیاورید که محدودیت درک انسان و رازآلود بودن ذات خدا را نشان دهد: هنگامی که در حال خواب دیدن هستیم، خودمان نمی‌دانیم که خواب می‌بینیم، ولی وقتی از خواب برخیزیم، متوجه می‌شویم که خواب دیده‌ایم. ما حتی می‌توانیم خواب ببینیم که از خواب بیدار شده‌ایم یا خواب ببینیم که در حال خواب دیدن هستیم.

## ۸. همراه سازی یادگیری با تجارب خوشایند

کودکان ما پیوسته می‌آموزند و به هر چیزی که فرامی‌گیرند، احساس تازه‌ای می‌یابند. باید بکوشیم آموخته‌های آن‌ها با تجارب خوش‌آیند و دوست‌داشتنی همراه باشد. وقتی موضوعی با احساس خشنودی همراه باشد، انسان آن را با راحتی، رضایتمندی و رغبت به خاطر سپرده، دیرتر فراموش می‌کند. بر این اساس، باید زیباترین و خوش‌آیندترین اوقات کودکان و نوجوانان در کانون خانواده، زمانی باشد که بزرگ‌ترها، به ویژه پدر و مادر، آماده‌ی اعمال معنوی، مانند نماز، مطالعه‌ی کتاب‌های دینی و... می‌شوند.

کودکان با دیدن چندباره‌ی حالات معنوی والدین خود، از احساسی بسیار لطیف و خوش‌آیند سرشار و به برنامه‌های دینی علاقه‌مند می‌شوند. بر همین اساس، در توصیه‌های قرآنی آمده است که انسان مذهبی بهترین و جذاب‌ترین حالت‌های ظاهری و باطنی را هنگام انجام برنامه‌های دینی همچون نماز و حضور در مسجد داشته باشد.<sup>۵</sup>

<sup>۴</sup> . انعام/ ۳-۱.

<sup>۵</sup> . اعراف/ ۳۱. خذوا زینتکم عند کل مسجد

هرچه الگوهای بزرگسال برای بچه‌ها مطلوب‌تر و محبوب‌تر باشند، تأثیرپذیری، بیش‌تر و پایدارتر می‌شود. از این رو، والدینی که می‌خواهند فرزندانشان باورها و رفتارهای مطلوبشان را مورد توجه کامل قرار داده، وجودشان آراسته به ویژگی‌های مورد نظر بشود، باید ابتدا، همواره بکوشند که رفتارشان محبت‌آمیز باشد تا دل‌های آنان را به دست آورند، زیرا هرچه پیوندهای عاطفی میان ایشان بیش‌تر باشد، همانندسازی‌ها افزون‌تر می‌شود. در این شرایط، دیگر نیاز چندانی به پند، اندرز و موعظه مستقیم نخواهد بود.

### منابع:

- قرآن کریم، ترجمه‌ی فولادوند، محمد مهدی.
- افروز، غلامعلی، روش‌های پرورش احساس مذهبی نماز در کودکان و نوجوانان، تهران، انجمن اولیا و مربیان، چ ۷، ۱۳۸۱ ش.
- امینی، ابراهیم، تربیت، قم، بوستان کتاب، چ ۱، ۱۳۸۱.
- بیابانگرد، اسماعیل، راهنمای والدین و معلمان در تربیت و آموزش کودکان، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ ۳، ۱۳۷۸ ش.
- غروی‌ان، محسن، تربیت فرزند سالم و بانشاط، قم، احمدیه، چ ۳، ۱۳۸۴ ش.
- یاب، ایریس، کلیدهای آموختن به کودکان درباره‌ی خدا، مترجم: دکتر حاجی‌زاده، مسعود، تهران، کتاب‌های دانه از مؤسسه‌ی انتشارات صابری‌ن، چ ۳، ۱۳۸۱ ش.